

ارتش جنوب لبنان؛ از ظهور تا سقوط

احمد سروش نژاد

اسرائیل پس از اشغال لبنان، در صدد بود تا با کمترین هزینه، مناطق اشغالی را تحت کنترل و انقیاد خویش نگهدارد. تشکیل یک گروه ویژه و بومی از هواداران و طرفداران اسرائیل به منظور اشراف کامل بر اوضاع مناطق اشغالی و حفظ و استمرار سلطه رژیم صهیونیستی، مهمترین گزینه‌ای بود که برای تأمین اهداف مذکور توسط ارتش به مقامهای سیاسی تل‌آویو عرضه شد. مقاله حاضر به بررسی علل پیدایش، چگونگی تکوین، نحوه عملکرد و سرنوشت نافر جام و عبرت‌آموز این گروه از مزدوران که در خدمت اهداف اشغالگران قرار گرفتند و به خود، ملت و کشور خویش خیانت کردند، می‌پردازد:

به هنگام تهاجم گسترده‌ی اسرائیل به لبنان در سال ۱۹۸۲، هدف اسرائیل و تصور حامیان سیاستهای رژیم اشغالگر این بود: اسرائیل می‌تواند از تعرضات گاه و بیگاه فلسطینی‌های مسلح مستقر در جنوب لبنان رهایی یابد؛ حاکمیت لبنان به جمعی از طرفداران اسرائیل خواهد رسید؛ سوریه تحت فشار بیشتری قرار خواهد گرفت و به حداقل

امتیاز در مذاکرات احتمالی راضی خواهد شد.

اما پس از گذشت بیش از بیست سال از تهاجم اسرائیل، نه تنها آن تصورات تحقق نیافتند و لبنان به معضلی جدی‌تر از گذشته تبدیل شد، بلکه علی‌رغم خروج بخش اعظم گروه‌های مسلح فلسطینی از لبنان، نیروهای تولد و رشد یافتند که سازش ناپذیرتر از فلسطینی‌ها در صحنه‌های نبرد با رژیم صهیونیستی ظاهر شدند و اینک نیز در عرصه‌های مختلف سیاسی لبنان حاضرند و با حمایت معنوی از انتفاضه موج جدیدی از مبارزات ضد صهیونیستی را سازمان می‌دهند و به این ترتیب مسأله جنوب لبنان را به یکی از سه محور اصلی سیاست‌های دولت اسرائیل طی سالهای گذشته تبدیل کرده‌اند.

سیاست جداسازی و الحاق به اسرائیل

سیاست جداسازی و الحاق و اصلاح مرزهای لبنان و فلسطین در اواخر قرن نوزدهم و از سال ۱۸۹۲ که بخشی از اراضی در دشت الخیام و المطله و المناره خریداری شد آغاز گردید. هدف اسرائیل از الحاق اراضی لبنان سیطره بر اراضی و آبهای بیشتر و دستیابی به مناطق استراتژیک بود. به عنوان مثال اراضی موجود در عدیسه که اسرائیل آنها را به خود ملحق کرده است، از لحاظ موقعیت استراتژیکی اهمیت زیادی دارد. این منطقه بر شهرک مهم کریات شموئه (الخالصه) اشرف دارد.

اسرائیل پس از جدا کردن ۱۸۰۰ دونم* از اراضی العدیسه، شهرک «مسکفعم» را برای تکمیل خط مرزی مستقیم خود و تأمین مقادیری آب، در ارتفاعات آنجا بنا کرد. در پی افزایش میزان شوری آب مخازن دریاچه طبریه و فزونی مهاجرت یهودیان به اسرائیل کاهش منابع آب رو به افزایش نهاد و به همین دلیل اسرائیل سعی می‌کرد این کمبود آب را از طریق تأمین آب از رود لیتانی جبران کند.

* هر دونم ۹۳۳ متر است.

اسرائیل پس از جنگ ژوئن، در سال ۱۹۶۷ سیزده مزرعه لبنانی در منطقه العرقوب را از لبنان جدا کرد. این مزارع که به مزارع شبعاً معروف هستند عبارتند از: المغر، فشکول، زبدین، أفواء، الربعه، برتعیاء، بیت البراق، برختا، کفر دوره، جورة العلیق، رمتی، القرن و خلة الغزاله. رژیم صهیونیستی پس از این اقدام دست به اقدام مشابه دیگری زد و طی آن املاک مجاور مزارع شبعاً از جمله وادی الخنساء، الجاصیر، رویسة السماق، رویسة بیت الرأس و الجبل الأحمر را به اشغال درآورد.

در سال ۱۹۷۰ نیروهای رژیم اشغالگر جاده‌هایی را در مزارع شبعاً ایجاد کرد و اقدام به تغییر دادن ویژگی‌های زیست‌محیطی و جغرافیایی منطقه نمود. این تغییرات در مزرعه‌المجیدیه و تپه‌های روستاهای کفر شوبا و کفر حمام و نواحی اطراف روستاهای شبعاً نیز صورت گرفت. به دنبال جنگ اکتبر ۱۹۷۳ اسرائیل اقدام به جدا نمودن بخشهای دیگری از اراضی لبنان که در مرزهای بین‌المللی لبنان - فلسطین قرار داشت نمود. برخی از این اراضی مانند الشمل، برکة النقار، السواقی و جورة العلیق در نزدیکی جبل الشیخ قرار داشتند. در سال ۱۹۷۴ نیز بخشی از اراضی روستای مرزی عیترون را به طول ۳ کیلومتر و عرض ۱۰۰ تا ۵۰۰ متر به اشغال درآورد. به دنبال آن نیز بخشهای پراکنده‌ای از زمین‌های روستاهای نزدیک عیترون از جمله محیبیب، بلیدا، رامیه و تلال الظهیره تا روستای العدیسه را که در مرز لبنان - فلسطین قرار دارد به اشغال درآورد. اسرائیل همچنین اراضی مجاور مزارع شبعاً را که جزء روستاهای العرقوب بوده و اهالی منطقه آنجا را به نامهای وادی الخنساء، الجاصیر، رویسة بیت الرأس، رویسة السماق، الجبل الأحمر و مرج مشهد الطیر می‌شناختند به اشغال خود درآورد. این مزارع ۱۱ کیلومتر طول و ۴ کیلومتر عرض دارد و مساحت آن بالغ بر ۹۰ هزار دونم است. (۱) تعرضات و توسعه طلبی ارضی رژیم اشغالگر طی این سالها نه تنها خاتمه نیافت، بلکه هر روز از دامنه گسترده‌تری برخوردار می‌شد. طی سالهای ۱۹۷۴ و ۱۹۷۵ اسرائیل بخشی از روستای مرزی عیترون و منطقه‌ای به نام

جبل الشمیس را از لبنان جدا کرد و ۵ سال بعد یعنی در سال ۱۹۸۰ نیز طی اقدامات تازه‌ای بخش‌هایی از دیگر روستاها و شهرک‌های مرزی مانند تلال الظهیره، رمیش، یارون، مارون الرأس، بلیدا، میس الجبل، حولا، عدیسه، کفر کلا و ۱۵۰ دونم از علما الشعب را از لبنان جدا نمود. اسرائیل همچنین بر مناطقی از جبل الصوان که مشرف به روستای شوپادر منطقه حاصیبا بوده و سرشار از سرچشمه‌های طبیعی بود پنجه انداخت و بیش از یک هزار دونم از اراضی روستای حولا و ۶ هزار دونم از اراضی روستای مارون الرأس را از لبنان جدا نمود. بدون شک حفظ و نگهداری اراضی اشغالی در جنوب لبنان هزینه و امکانات زیادی طلب می‌کرد و رژیم صهیونیستی به منظور کاهش تلفات و کنترل کیفی تر مناطق اشغال شده در صدد برآمد تا با تکیه بر نیروهای مزدور محلی و با هدف حفظ امنیت این مناطق، ارتش مطیعی از بومیان به وجود آورد. در ادامه بحث به زمینه‌های دیگر پیدایش این گروه مسلح مزدور خواهیم پرداخت.

جنگ لبنان و اشغال جنوب

«بحران موشکی سوریه» در سال ۱۹۸۱ و جنگ اسرائیل با فلسطینیان در ژوئیه همان سال، بحران لبنان را وارد مرحله نوینی کرد که در این مرحله حفظ توازن قوا چندان میسر نبود. از دیدگاه اسرائیل، حضور موشک‌های سوریه در دره بقاع، نه تنها نقض موافقت‌نامه خط سرخ سال ۱۹۷۶ به حساب می‌آمد، بلکه این حضور یک تهدید جدی و گامی در جهت افزایش حالت تهاجمی سوریه در لبنان قلمداد می‌شد. اما در واقع، رقیب مهم‌تر توانایی «ساف» بود.

اسرائیل از تأسیسات وسیع نظامی ساف در جنوب لبنان نگران بود و از این وحشت داشت که فلسطینی‌ها روزی قادر شوند جنگی فرسایشی علیه اسرائیل در مرز لبنان و این کشور به راه اندازند. «چتر امنیتی» که به واسطه موشک‌های سوری برقرار شده بود، نیز به

این وحشت اسراییل دامن می‌زد. دولت اسراییل در ماه ژوئیه به ارتش خود اجازه داد تا این تأسیسات نظامی و خصوصاً توپخانه فلسطینی‌ها را از طریق حملات هوایی نابود سازد. عملیات هوایی اسراییل نهایتاً منجر به همان موضوعی شد که انگیزه اسراییل را برای این عملیات تشکیل می‌داد. ساف به گلوله‌باران شمال جلیله پرداخت و با وارد ساختن تلفات سنگین، شهرک نشینان اسراییلی را برای روزهای متمادی در پناهگاه‌ها نگاه داشت.

در مقابل اسراییل حملات سنگین هوایی خود را به مراکز فلسطینی در بیروت متمرکز کرد. این امر موجب تلفات سنگین در نقاط مجاور آنها و غیر نظامیان لبنانی گردید. در این مقطع دولت ریگان با کمک فیلیپ حبیب و عربستان میان دو طرف آتش بس برقرار ساخت. (۲) این بحران بخوبی نشان داد که ساف با استفاده از پایگاه‌های زمینی خود در جنوب لبنان قادر است شمال اسراییل را مورد هدف قرار دهد. این تقابل، یکی از پایه‌های اساسی تجاوز اسراییل به لبنان، در سال بعد بود.

با آغاز سال ۱۹۸۲ و ادامه آتش بس شکننده پس از بحران ژوئیه، رهبری اسراییل احساس کرد که «ساف» از آتش بس و توقف حملات اسراییل، در واقع به منظور توسعه نفوذ و استحکام موقعیت نظامی خود در جنوب لبنان استفاده می‌کند. بر این اساس موضوع عملیات گسترده زمینی، محدوده و احتمال کارآمدی آن برای حذف ساف از جنوب لبنان، در خلال بهار سال ۱۹۸۲ در دستور کار دولت و نظامیان اسراییل قرار گرفت.

«رافائل ایتان»، رییس ستاد، معتقد به یک راه حل نظامی بود. اما حزب کارگر و رهبران آن از جمله اسحاق رابین و مردخای گور (هر دو از رؤسای قبلی ستاد) عقیده داشتند که عملیات گسترده زمینی قادر به حل مسایل نخواهد بود و در این شرایط بهتر است که آتش بس حفظ شود. اما این مخالفت، به معنای مخالفت حزب کارگر با عملیاتی محدود با هدف ایجاد یک «حریم امنیتی» در جنوب لبنان نبود. (۳) بنابراین، اسراییل با استفاده از روش‌های گوناگون حتی از طریق جنگ، می‌کوشید تا سلطه خویش را بر لبنان بگستراند.

ایجاد حریم امنیتی نیازمند تأسیس ساختارهایی بود که مهمترین رکن آن را «ارتش جنوب لبنان» تشکیل می‌داد.

تشکیل ارتش جنوب لبنان

پس از اشغال بخش‌هایی از لبنان توسط رژیم صهیونیستی امکان حضور مستقیم ارتش اسرائیل در منطقه به دلیل هزینه‌های سنگین آن به راحتی میسر نبود. بنابراین بهترین گزینه برای برقراری امنیت و کنترل، استفاده از نیروهای محلی و ایجاد ارتشی از هواداران بود.

در حدود سال‌های ۱۹۷۶ و ۱۹۷۷ در ادامه جنگ‌های داخلی، درگیری‌های اندکی میان فلسطینیان و لبنانی‌های جنوب رخ داد. در آن هنگام سازمان آزادیبخش فلسطین با احزاب چپ‌گرای لبنان هم‌پیمان بوده سیطره خود را بر روستاهای لبنان که در امتداد مرزهای این کشور با اسرائیل قرار داشت، تحکیم کرده بود. در بین این روستاها چندین شهر مسیحی نیز وجود داشت که تعدادی از اهالی آنها به دو حزب «الکتائب» و «الأحرار» وابسته بودند. مشکلاتی که اقدامات فلسطینیان برای اهالی جنوب به وجود آورده بود سبب شد تا گروهی تصمیم گرفتند از افزایش نفوذ فلسطین در روستاهای خود جلوگیری کنند. این افراد هسته‌هایی نظامی - که بعداً «ارتش جنوب لبنان» نام گرفت - تشکیل دادند. غیر از این هسته‌ها، گروه‌های دیگری از عناصر ارتش لبنان به فرماندهی سرگرد سعد حداد (از شهر مرجعیون) نیز بودند که با هدف دفاع از روستاهای مسیحی تشکیل شده بودند. اندکی بعد تعدادی از افراد ارتش که از شهرهای رمیش، دبل و القلیعه بودند به این گروه پیوستند.

در سال ۱۹۷۸ اوضاع لبنان دستخوش تغییرات زیادی شد. اسرائیل وارد لبنان گردید و رود لیتانی را به تصرف درآورد و سپس تا جایی که بعداً به «نوار مرزی» معروف شد، عقب‌نشینی کرد. در همین ایام سعد حداد تشکیل «حکومت لبنان آزاد» را اعلام کرد و

ارتش خود را «ارتش لبنان آزاد» نام نهاد. این ارتش که اسرائیل وظیفه آموزش و تجهیز آن را بر عهده گرفته بود به عنوان یک سپر لبنانی برای اعمال حاکمیت اسرائیل بر منطقه به شمار می‌رفت. در زمانی که حداد رهبری این شبه نظامیان را بر عهده داشت و همچنین پس از آن، این ارتش شرایط متفاوتی را پشت سر گذاشت. اسرائیل در کنار این ارتش گروه‌هایی را در روستاها تشکیل داده، و آنها را «گارد ملی» نامید. این گروه‌ها با توجه به شرایط طائفه‌ای و منطقه‌ای، روابط متفاوتی با «ارتش جنوب لبنان» داشتند. گاهی هدف اسرائیل از حمایت گروه‌های مستقل آن بود که به ارتش جنوب بفهماند وزنه‌های دیگری هم هست که بتوان بر آنها تأکید کرد و گاهی نیز گرایش استقلال طلبانه ارتش را سرکوب می‌کرد.

پس از مرگ سعد حداد، دهها تن از افسران ارتش جنوب لبنان به فرماندهی ارتش اسرائیل پیشنهاد دادند که یک نفر از ساکنان کمر بند امنیتی اشغالی و از نیروهای همین ارتش، به جای او تعیین گردد. اما فرماندهی ارتش اسرائیل به پیشنهاد این افسران - که بیشترشان از شهر القلیعه محل تولد سعد حداد بودند - توجهی نکرد. فرماندهی ارتش در نظر داشت یکی از افسران شناخته شده ارتش لبنان را به جای حداد که او نیز از افسران ارتش لبنان بود، برگزیند. فرماندهی ارتش اسرائیل از طریق تعیین لحد به عنوان جانشین حداد توانست خواسته خود را برآورده سازد. اما این مسأله خشم افسران و نیروهای ارتش جنوب لبنان را در شهرهای مرجعیون، القلیعه، دبل و برخی از روستاهای دیگر کمر بند امنیتی، برانگیخت. هر چند آنان در پی فشارهای تل‌آویو نتوانستند خواسته خویش را تحمیل کنند یا واقعیت موجود را بر هم زنند و اوضاع را تغییر دهند. (۴)

به منظور این که همچنان زمام امور ارتش جنوب لبنان به دست فرماندهی ارتش اسرائیل باشد، مجموعه‌ای از نیروها و افراد مختلف دیگر نیز به درون این ارتش وارد شدند. آنتوان لحد نیز به صورت ظاهری به منظور هدفی که اسرائیل دنبال می‌کرد، فرماندهی آن

را همچنان بر عهده داشت.

اما وضعی که فرماندهی ارتش اسرائیل به وجود آورده بود نیز نتوانست نظر دهها تن از افسران و نیروهای ارتش جنوب لبنان را خصوصاً در مرجعین و القلیعه، به سوی خود جلب کند. این عده همواره به فرماندهی ارتش اسرائیل تأکید می کردند که باید فرمانده ارتش جنوب لبنان از این دو شهر انتخاب گردد، زیرا شمار زیادی از شهروندان این دو شهر در این ارتش حضور داشته و یا جان خود را از دست داده اند. افزون بر این آنها معتقد بودند که آنتوان لحد اصالتاً از اهالی جنوب نیست. طبیعتاً این مسأله خشم و ناراحتی لحد را برانگیخت و در نتیجه تصمیم گرفت از پرداخت حقوق به شماری از افسران و نیروهای ارتش خود در شهرهای یاد شده جلوگیری کند. از این رو اختلاف میان لحد و برخی از هواداران او از یک سو و دهها تن از افسران و نیروهای ارتش جنوب لبنان در مرجعین و القلیعه، از سوی دیگر، بالا گرفت. در این میان برخی از افسران و عناصر این ارتش در پاره‌ای از مناطق کمربند امنیتی اشغالی نیز به حمایت از افسران و نیروهای مخالف لحد برخاستند. اگر از طرف فرماندهی ارتش اسرائیل دخالتی صورت نمی گرفت، اختلافات تا مرز درگیری مسلحانه نیز پیش می رفت.

در پی اقدام لحد در مورد جلوگیری از پرداخت حقوق به افسران و نیروهای ارتش جنوب لبنان در القلیعه، کلوفیس فرانسیس، یکی از چهره‌های شاخص این شهر و از هواداران میشل عون، همکاری و کمک خود را با این نیروها و افسران، از طریق پرداخت مقداری کمک مالی آغاز کرد. این مخالفت به حدی که منجر به کودتا علیه لحد شود، نرسید، زیرا هواداران مخالفان لحد، همگی با فرماندهی ارتش اسرائیل در ارتباط بودند و از آنجا دستور می گرفتند. (۵)

رهبران اسرائیل سعی کردند تمامی گروههای هم‌دست با اسرائیل را تحت رهبری رسمی شبه نظامیان در آورند. آنها از طریق افزایش تعداد مسیحیان در رهبری ارتش

جنوبی، توازن را در آن حفظ نمودند. برای جبران خسارتی که ممکن بود واگذاری فرماندهی ارتش به شخصی که از خارج از منطقه آمده بود (آنطوان لحد) به بار آورد، اختیارات زیادی به «عقل هاشم» شخص دوم ارتش در شهر دبل داده شد و بخش غربی نیز به وی واگذار گردید. بخش شرقی (منطقه حاصبیا) و العرقوب نیز به یکی از افسران دروزی شبه نظامی به نام علم الدین بدوی واگذار گردید. وی ۳۰۰ نفر را که بیشتر آنان از دروزیان و تعداد کمی نیز از اهل سنت روستاهای شبعاء، کفر شوبا و کفر حمام بودند، در گروه‌های خود گرد آورده بود. به منظور کنترل بیشتر اوضاع اسرائیلیان، مجموعه امنیتی ویژه‌ای به نام «۵۰۴» در شهر الخیام ایجاد کرده بودند. در یک تحقیق منتشر نشده که توسط تبلیغات جنگ حزب... در مورد ترکیب شبه نظامیان لحد صورت گرفته بود، این شبه نظامیان به ۲ تیپ تقسیم می‌شدند: ۱- تیپ غربی به فرماندهی یک مارونی ۲- تیپ شرقی به رهبری یک دروزی. تیپ غربی خود به ۳ هنگ تقسیم می‌شد که دو هنگ از آن شیعی و یک هنگ مارونی بود. تیپ شرقی به ۳ هنگ تقسیم می‌شد که یک هنگ از آنها مارونی، یک هنگ دروزی و یک هنگ ارتدو کس بود. اطلاعات بدست آمده از گزارش حزب... حاکی از آن است که تعداد این شبه نظامیان حدود ۳۰۰۰ نفر بود که ۶۰ درصد از آنها از طوایف اسلامی و ۴۰ درصد از طوایف مسیحی بودند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

دیدگاه‌های موجود در مورد اشغال جنوب لبنان

ادامه اشغال جنوب لبنان مسایل و مشکلات روزافزونی برای اسرائیل بدنبال داشت که همواره طی سالهای اخیر، بصورت یک معضل عمده برای تمامی دولت‌های اسرائیل مطرح بود. ایجاد، رشد و گسترش گروه شبه نظامی نظیر حزب... در لبنان، پایه ریزی جبهه مقاومت اسلامی در جنوب و تعرض مداوم به بخش‌هایی از داخل مرزهای اسرائیل، تلفات رو به گسترش نظامیان اسرائیلی، بی‌اعتمادی اعضای ارتش جنوب لبنان به

اسرائیلی‌ها، افزایش هزینه‌های نگهداری جنوب، ایجاد گروه‌های داخلی برای ترغیب دولت به خروج از لبنان، انعکاس نامطلوب بین‌المللی ادامه اشغال جنوب لبنان و مسایل عدیده دیگر، از جمله عواملی بودند که لزوم‌رهایی از معضل جنوب لبنان را در دستور کار نخست‌وزیران اسرائیل طی دو دهه اخیر قرار داد. اما مسأله امنیت شمال اسرائیل و این پرسش که آیا خروج از لبنان، امنیت ساکنین شهر کها در شمال اسرائیل را دچار مخاطره نخواهد کرد و نیز گره خوردن مسأله جنوب لبنان با موضوع ادامه اشغال جولان، از دلایلی بودند که هیچ یک از دولتهای اخیر در اسرائیل نمی‌توانستند در مورد آنها به یک توافق جمعی دست یابند و تصمیم قابل اجرایی اتخاذ کنند.

دو دیدگاه عمده در مورد باقی ماندن یا خروج از جنوب لبنان، از میان اظهارات و مواضع مقامات سیاسی و مسئول و نیز کارشناسان اسرائیلی طی این سالها، قابل تشخیص بود که هر دو نظریه، بر محور امنیت شمال اسرائیل متمرکز بودند.

این دو دیدگاه در ادوار مختلف، نه تنها به هم نزدیک نشدند بلکه «عملیات خوشه‌های خشم» (۶) فاصله میان آنها را عمیق‌تر کرد. در دوره نخست‌وزیری نتانیا هو همچنان موجب موضوع مقالات متعدد در نشریات اسرائیلی، راهپیماییهای مخالفان حضور در جنوب لبنان و ابراز مواضع شخصیت‌های سیاسی بود. این روند به هنگام عملیات حزب ا... تشدید شد و در دوره آرامش رو به نزول می‌رفت.

در دوره باراک با توجه به شعارهای وی در زمان برگزاری انتخابات که نشان از تمایل شدید افکار عمومی صهیونیست‌های ساکن اراضی اشغالی مبنی بر خروج هر چه سریعتر از جنوب لبنان بود، وی ناچار شد حتی قبل از موعد تعیین شده توسط کابینه اقدام به عقب‌نشینی از جنوب لبنان کند. این عقب‌نشینی آن چنان غیرمنتظره، ناهماهنگ و حاکی از شتابزدگی بود که یکی از فرماندهان ارتش سابق جنوب لبنان (فرمانده تیپ شرقی) نبیه ابورافع در مصاحبه با تلویزیون اسرائیل اظهار داشت: «من دو ساعت قبل از عقب‌نشینی از

آن مطلع شدم. من ساعت ۹/۳۰ در حالی که در منزل خودم در حاصبیا نشسته بودم از عقب‌نشینی اطلاع یافتم. (۷)

فروپاشی ارتش جنوب

پس از مرگ سرهنگ عقل هاشم (نفر دوم ارتش جنوب لبنان) که طی عملیات ویژه‌ای توسط نیروهای مقاومت اسلامی کشته شد، به نظر می‌رسید که زمینه‌های فروپاشی کاملاً فراهم گردیده است و نیروهای این ارتش از نظر روانی و ذهنی فرآیند فروپاشی را طی نموده و فقط تحت فشار ارتش اسرائیل به ادامه فعالیت مشغول هستند. در همان دوران باراک نخست وزیر وقت اسرائیل برای بازسازی روحیه این ارتش قسم خورد که اسرائیل مسئولان به قتل رسیدن افسر ارشد جنوب لبنان (عقل هاشم) را مجازات خواهد نمود. (۸) این واقعه که ضربه بزرگی به ارتش جنوب لبنان بود با توجه به نوع عملیات و عدم آسیب‌رسانی به پسر و همراهان وی و فیلمبرداری از فاصله نزدیک توسط مقاومت اسلامی بار دیگر قدرت ویژه و فوق‌العاده حزب... را در طراحی عملیات علیه مزدوران لحد به اثبات رساند و از سوی دیگر ضعف و ناتوانی ارتش جنوب لبنان و حامی آن یعنی ارتش اسرائیل را عریان نمود. باراک در یک کنفرانس مطبوعاتی اذعان داشت که مرگ هاشم ضایعه‌ای سخت و اندوهناک برای اسرائیل است. (۹)

عقل هاشم به عنوان معاون لحد، مسئول اطلاعات و عملیات ارتش جنوب لبنان و مجری تصمیمات فرماندهان نظامی رژیم صهیونیستی بود. رژیم صهیونیستی پس از آن تلاش زیادی نمود تا یکی از مسئولان حزب... را به تلافی این عملیات مورد حمله قرار دهد ولی در اجرای تصمیمات خود ناکام ماند و این مسئله تأثیر روانی دوچندانی را بر روی نیروهای ارتش جنوب لبنان بر جای گذاشت. آنها بوضوح می‌دیدند که حزب... در انجام هرگونه عملیات علیه آنان با توانایی و اقتدار بی‌سابقه‌ای اقدام می‌کند و برعکس

رژیم صهیونیستی علی‌رغم تبلیغات وسیعی که در مورد قدرتمند بودن نیروی نظامی اسرائیل انجام می‌شود فاقد توانایی برای اجرای حمله متقابل می‌باشد. این واقعه و وقایعی از این دست باعث گردید که دهها تن از سربازان ارتش جنوب لبنان پستهای خود را در منطقه ترک کنند و به مناطق امن‌تری پناه ببرند.

با توجه به وابستگی شدید ارتش جنوب لبنان به حمایت‌ها و پشتیبانی‌های اسرائیل، به محض اعلام تصمیم عقب‌نشینی، بدون کمترین وقفه‌ای این ارتش از هم پاشید و فروریخت. (۱۰) فرمانده این ارتش نیز که وظیفه‌اش تأمین امکانات و تقویت روحیه تضعیف شده مزدوران بود، خود در تدارک مقدمات فرار بود.

آنتوان لحد مدتها قبل از عقب‌نشینی و هزیمت اشغالگران با تهیه گذرنامه فرانسوی و انتقال اموال و دارایی‌های خود به فرانسه، مقدمات فرار خود را پی‌ریزی کرده بود. اخبار متعددی از تلاش اعضای رده بالای این ارتش برای تهیه گذرنامه‌های خارجی و اجازه اقامت در فرانسه و استرالیا طی روزهای آخر شنیده می‌شد.

سراشیب سقوط

در سالهای آخر اشغال یکی از مباحث عمده برای عقب‌نشینی اسرائیل از جنوب لبنان، بحث سر نوشت اعضای ارتش جنوب لبنان بوده است. پس از عقب‌نشینی، بیش از دو هزار نفر از مزدوران وابسته به اسرائیل تسلیم دولت لبنان شدند و تعداد زیادی از سران آنها به کشورهای اروپایی پناه بردند. عده‌ای نیز که تعدادشان به بیش از شش هزار تن می‌رسد (با خانواده‌های خود) همراه با نیروهای اسرائیلی به درون خاک اسرائیل گریختند. (۱۱) با وجود این که همه آنها عضو رسمی ارتش جنوبی بودند، اما تمام این پناهندگان دقیقاً مورد بازرسی قرار گرفتند، تا هویت آنها مشخص شود. (۱۲)

برای تقویت روحیه مزدوران، باراک در یک مصاحبه تلویزیونی تصریح کرد اسرائیل

این پناهندگان را بیرون نخواهد کرد و آماده استقبال موقت از آنها می‌باشد. (۱۳) ناتان شارانسکی، وزیر کشور اسرائیل نیز اعلام کرد که به تمام پناهندگان به مدت یک سال ویزای اقامت و کار داده می‌شود. (۱۴) اما آنچه که در عمل رخ داد، با آنچه که گفته و تبلیغ می‌شد بسیار متفاوت بود.

در این حال با توجه به فرار مزدوران به خاک اسرائیل، این کشور حتی به منظور اسکان موقت آنها دچار مشکل شده و از سوی دیگر برخورد ناخوشایند اسرائیلی‌ها نیز نارضایتی آنها را به بار آورده است. به همین جهت عده‌ای از این مزدوران پس از روبرو شدن با مشکلات فراوان تصمیم گرفتند همراه با خانواده‌های خود به لبنان بازگردند. (۱۵) از سوی دیگر جوزف شائول، وزیر دادگستری لبنان از شبه نظامیان جنوب لبنان که با خانواده‌های خود به اسرائیل رفته‌اند خواست به لبنان بازگردند. (۱۶) وی همچنین افزود اگر چه همه افراد ارتش محلی در بازگشت به لبنان مورد محاکمه قرار خواهند گرفت، ولی کوشش خواهد شد این محاکمه، عادلانه باشد و حقوق آنها رعایت گردد. (۱۷) در ابتدای عقب‌نشینی ۱۷۰۰ نفر از شبه نظامیان وابسته به آنتوان لحد خود را تسلیم دولت لبنان کردند یا از سوی مقامات لبنانی زندانی شدند. این عده متهم به همکاری با اسرائیل، فراهم کردن اطلاعات برای آنان و ورود به خاک اسرائیل بودند. (۱۸) به هنگام بازگشت این نیروها به لبنان محاکمه آنها نیز آغاز شد و در جریان این محاکمه‌ها احکام و مجازات‌های اندکی برای این مزدوران از سوی دستگاه قضایی لبنان صادر گردید. اغلب این مجازات‌ها شامل حبس‌های کوتاه مدت و یا مجازات‌های نقدی اندک بود.

از طرف دیگر ترس اسرائیل از پیوستن اعضای ارتش متلاشی شده جنوب لبنان به حزب‌ها... (۱۹) باعث گردید که اقدامات ظاهری برای جذب آنان و یا فراهم کردن امکان مهاجرت آنان به سایر کشورها را در نظر بگیرد. (۲۰) علی‌رغم این تسهیلات مورد ادعای اسرائیل، وضعیت نیروهای ارتش منحل جنوب لبنان در اسرائیل بسیار اسفناک و وخیم

است و حضور این افراد در اسرائیل با واکنش‌های مختلفی روبرو شده است. برخی از مقامات اسرائیلی معتقدند آنان که به ملت و کشور خود خیانت کرده‌اند نمی‌توانند خدمتی به اسرائیل و صهیونیسم بکنند. (۲۱) برخی دیگر معتقدند ما قبلاً گفته‌ایم و امروز نیز می‌گوییم تمام کسانی که سرنوشت خود را به ارتش اسرائیل گره زده‌اند، از طرف ما پذیرفته خواهند شد. (۲۲)

در هر حال تصمیم اسرائیل مبنی بر عقب‌نشینی یک جانبه از لبنان، موقعیت دشوار و لاینحلی را در پیش روی ارتش جنوب لبنان قرار داد. از یک سو، سیاستمداران اسرائیلی درباره روابط ایجاد شده میان ارتش جنوب لبنان و ارتش اسرائیل و دین بزرگ اخلاقی اسرائیل به کسانی که برای مدت ۲۵ سال در کنار آنها جنگیدند (حتی پیش از تشکیل منطقه امنیتی) ادعاهای زیادی را مطرح می‌کنند. از سوی دیگر، هیچ طرح مفصلی به مزدوران ارتش جنوب لبنان ارائه نشد تا آنها دریابند که اسرائیل با چه دقتی وعده‌هایش را مبنی بر اینکه شرکایش را رها نمی‌کند، دنبال خواهد کرد. فقط ذکر یک نکته کافی است تا عمق این ادعاها مشخص گردد. در یک اقدام هماهنگ شهرداران یهودی و عرب شهرهای اسرائیل اعلام کردند که از پذیرفتن خانواده‌های ارتش جنوب لبنان امتناع خواهند کرد. با توجه به شرایط دشوار موجود و نگرانیهای عمیقی که در جامعه اسرائیل در مورد مزدوران وجود دارد می‌توان گزینه‌های زیر را به عنوان شقوق احتمالی آینده آنها در نظر گرفت:

با تأسیس یک شهرک ویژه برای آن دسته از سربازان ارتش جنوب لبنان که به چنین مکانی علاقه دارند می‌توان آنها را در یک منطقه ویژه مستقر کرد. به دلیل ناخواندگی و

عدم تجانس با میزبانان یهودی و عرب امکان اختلاط برای آنها وجود ندارد، روستاهای کوچک آنها را مزدور و شهرک نشینان آنان را اجنبی قلمداد می کنند.

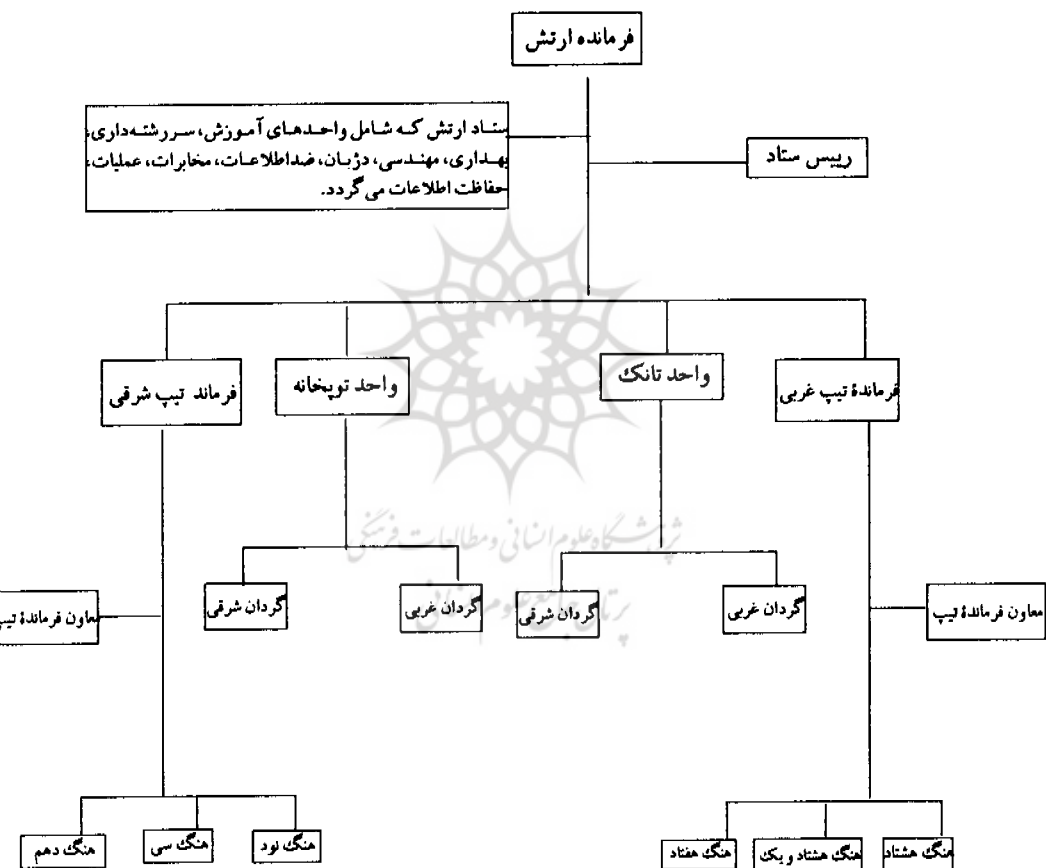
یک امکان دیگر، ارائه پیشنهاد مهاجرت به کسانی است که خواستار مهاجرت هستند. با فراهم کردن و پرداخت وجوه کافی برای یک زندگی مجدد و با ایجاد تمهیداتی در کشورهای میزبان شرایط امرار معاش مناسب برای کسانی که می خواهند در لبنان بمانند باید تضمین شود، با این فرض که ممکن است برای کسانی که با اسرائیل همکاری می کردند زمان زیادی طول بکشد تا پس از عقب نشینی وسیله امرار معاشی در لبنان پیدا کنند. (۲۳)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

ساختار نظامی شبه نظامیان لحد

هرم نظامی شبه نظامیان لحد بر قاعده ارتش‌های کلاسیک و با توجه به مأموریت‌های سپرده شده به آن از سوی ارتش اشغالگر اسرائیل، تأسیس گردیده است که به شکل ذیل شامل ستاد ارتش و تیپ‌ها و هنگ‌ها می‌گردد.



یادداشت‌ها

- ۱- رحاب ابوالحسن - نشریه اللواء ۵/۵/۲۰۰۰
- ۲- رابینویچ، ایتمار. جنگ برای لبنان، جواد صفایی و غلامعلی رجبی یزدی. (تهران: سفیر، ۱۳۶۸). ص ۱۳۲.
- ۳- رابینویچ همان، ص ۱۳۹.
- ۴- الشراع (ش ۸۴۶، ۲۴ اوت ۱۹۹۸/۲/۱۳۷۷) در این باره می‌نویسد: «آنتوان لحد و نیروهای ارتش او هم اینک در یک فشار روانی به سر می‌برند. این نیروها که راه همکاری با دشمن صهیونیست را بر گزیده‌اند، در پی ضربات سهمگین و موفقیت‌آمیز نیروهای مقاومت دچار این عارضه شده‌اند و از آینده نامعلوم خود در هراسند، و به همین دلیل رفته رفته اختلافها و شکافی در میان صفوف آنان بجشم می‌خورد.»
- ۵- قابل ذکر است که نشریه واشنگتن ریپورت در تاریخ ۱۹۹۹/۴/۱ در مقاله‌ای به قلم استفان - جی - سوسیپی در مورد آنتوان لحد و فساد مالی وی می‌نویسد: گزارشهای منتشر شده مربوط به لحد به طور مشروح به معرفی هفت منبع عمده درآمد خانواده فرمانده ارتش جنوب لبنان در منطقه تحت تسلط وی می‌پردازد. این گزارش لحد و پسران وی را متهم می‌کند طی مدت اشغال به ثروت انبوهی دست یافته‌اند که عمدتاً از طریق اخذ رشوه در معاملات ساختمانی و همچنین قاچاق و فروش اتومبیل‌های سرقتی به دست می‌آید. این گزارش لحد و پسرانش را متهم می‌کند که از کارگران لبنانی که بین منطقه امنیتی و اسرائیل تردد می‌کنند، مبالغی را به صورت اجباری و تحت عنوان حق تردد دریافت می‌نمایند. در فهرست شرم‌آور منابع درآمد لحد و خانواده‌اش موارد دیگری نظیر دریافت مالیات از مواد سوختنی وارداتی از اسرائیل، قاچاق توتون و تنباکو به سوریه و دریافت رشوه جهت صدور مجوز گسترش دامنه فعالیت‌های شبکه وسیع خدمات عمومی لبنان در بخش جنوبی این کشور ذکر شده است. این گزارش می‌افزاید که لحد و پسرانش با بهره‌گیری از این ابزارها امپراطوری مافیایی را در جنوب لبنان برپا کرده‌اند. که برای آنها میلیونها دلار درآمد داشته است.
- ۶- عملیات «خوشه‌های خشم» از روز ۱۱/۴/۱۹۹۶ آغاز شد و ۱۶ روز طول کشید که طی آن ۵۰۰ عملیات نظامی بر علیه لبنان انجام شد و ۲۳ هزار موشک به سوی لبنان شلیک گردید. روز ۱۶ آوریل، خونین‌ترین روز بود. در این روز در پی حمله هوایی اسرائیل به مقر نیروهای حافظ صلح سازمان ملل در جنوب لبنان، در روستای قانا، که آوارگان در این محل جمع شده بودند، ۹۸ غیرنظامی شهید و صد نفر دیگر زخمی شدند. اسرائیل اهداف ذیل را از این عملیات دنبال می‌کرد: ۱- سرکوب حزب ا.س. لبنان ۲- تلاش پرز و کلیتون برای پیروزی در انتخابات ۳- جلوگیری از ادامه حملات موشکی (کاتیوشا) به داخل محدوده شمال اسرائیل ۴- رو در رو قرار دادن حزب ا.س. و دولت لبنان
- ۷- شبکه یک تلویزیون اسرائیل ۳/۳/۸۰ بر نامه تلویزیونی لقاء
- ۸- جروزالیم پست ۳۱/۱/۲۰۰۰

۱۰- شبکه یک تلویزیون اسرائیل ۱۳۷۹/۳/۴ اظهارات لحد: این عقب‌نشینی غیرمنطقی و نادرست است و منجر به فروپاشی ارتش جنوب لبنان شده است و ی همچنین اسرائیل را متهم نمود که به ارتش جنوب لبنان خیانت کرده و در این باره فقط منافع خود را در نظر داشته است.

۱۱- واحد مرکزی خبر ۱۳۷۹/۳/۱۹

۱۲- خبرگزاری فرانسه ۱۳۷۹/۳/۴

۱۳- همان

۱۴- شبکه یک تلویزیون اسرائیل ۱۳۷۹/۳/۵

۱۵- خبرگزاری جمهوری اسلامی ۱۳۷۹/۳/۷

۱۶- واحد مرکزی خبر ۱۳۷۹/۳/۱۰

۱۷- رادیو اسرائیل ۱۳۷۹/۳/۱۰

۱۸- واحد مرکزی خبر ۱۳۷۹/۳/۱۷

۱۹- شبکه یک تلویزیون اسرائیل ۱۳۷۹/۲/۱۵ برنامه تلویزیونی لقاء مصاحبه با دالیا ایتسیک وزیر وقت محیط زیست اسرائیل: من وضعیت نظامیان ارتش جنوب لبنان را می‌دانم و برای آنها می‌ترسم ما باید تا آنجا که در توانمان است از آنها حمایت کنیم باید این راه هم فراموش نکنیم که آنها با تمام شیوه‌های جنگی ما آشنا هستند و ۱۸ سال با ما کار کرده‌اند و با سلاح‌های ما آشنا هستند و این مسأله‌ای است که این قضیه را پیچیده‌تر می‌کند. ما نباید آنها را به آغوش حزب‌ها... بیندازیم... ما نمی‌توانیم در چنین برنامه‌ای به خاطر حساسیت موضوع به این سوالات پاسخ دهیم.

۲۰- شبکه یک تلویزیون اسرائیل ۱۳۷۹/۳/۸- یکی از نظامیان ارتش جنوب لبنان، اسرائیل امکان باقی ماندن در اسرائیل و یا مهاجرت به کشورهای دیگر را در اختیار ما گذاشته است اما ما خواهان باقی ماندن در منطقه هستیم ما ۲۵ سال جنگیدیم تا در این منطقه بمانیم نه اینکه رانده شویم.

۲۱- شبکه یک تلویزیون اسرائیل ۱۳۷۹/۳/۹، نماینده‌ای از کنست، ارتش جنوب لبنان را افرادی خائن معرفی می‌کند و علیه آنان در دادگاه بین‌المللی شکایتی تقدیم نموده است....

۲۲- جرورالم پست ۲۰۰۰/۵/۲۳

۲۳- هآرتص ۲۰۰۰/۵/۱- مطابق ارقامی که به کمیته کارگران خارجی کنست ارائه گردید، تعداد خانواده‌های لبنانی که پس از عقب‌نشینی ارتش اسرائیل از جنوب لبنان وارد اسرائیل شده‌اند به ۱۶۶۳ خانوار رسیده است که این تعداد سه برابر میزان پیش‌بینی شده اولیه می‌باشد.